

گفتگوی روزنامه معروف آلمان "دی ولت"
با موسسه انستیتو استراتژی ملی روسیه

روسیه تحت اقتدار 4 سلطان یهودی تبار

اولیگارش ها یعنی "برزوفسکی"، "قوسینکی"، "آبرامویچ" و "خادروفسکی" (هر چهار تن یهودی تباراند) حکومت را در دست گرفته و دارائی اتحاد شوروی را میان خود تقسیم کرده اند. پوتین صاحب ۳۷٪ سهام نفت و گاز است، این سهام در بازار ۲۰ میلیارد دلار ارزش دارد.

علاوه بر این پوتین ۵ / ۴٪ سهام "گاز پروم" را در دست دارد. او در عین حال ۵۰٪ سهام شرکت "gunvor" را که به داد و ستد نفت مشغول است در اختیار دارد. گردش سرمایه این شرکت در سال گذشته ۴۰ میلیارد دلار و سود آن ۸ میلیارد دلار بود. پوتین از قدرت کنار نمی کشد، بلکه یک قدم عقب می رود و پست ریاست جمهوری را به وارث بلا معارض خود میدهد و خود با بدست آوردن اکثریت در دوما دولتی نخست وزیر می شود.

روزنامه مشهور آلمانی "دی ولت" متن مصاحبه خبرنگار خود "مانفريد کيوپرينگ" با "استانسلاو بئلكوفسكى" مؤسس انستیتوی استراتژی ملی روسیه را منتشر کرد. او در این مصاحبه وضع اقتصادی و سیاسی روسیه را نیره و تار مجسم کرد.

سؤال: امروز به نظر می رسد که روسیه کشوری با ثبات است. پس چرا در آستانه انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری رهبری این کشور بیش از اندازه عصبانی بودند؟

جواب: رهبری عصبانی است برای اینکه مشکلات مهمی موجود است که پوتین در باره آنها سکوت کرده و یا سکوت می کند. حل آنها معوق مانده است

سؤال- شما در باره کدام مسائل صحبت می کنید.

پاسخ: همه مشکلات بحران از انفراستروكتور ملی آغاز می شود که در عرض سی سال مدرنیزه نشده است، تا راه ها، خطوط برق رسانی، شبکه های حرارت رسانی به خانه ها، که همگی از جمله مسائل بحرانی است که برای حل آنها کوچکترین اقدامی انجام نمی گیرد. علاوه بر آن وضع در قفقاز شمالی بحرانی تر می شود. جمهوری کوچک خودمختار " اینقوشنیا" از کنترل خارج شده، وضع مشابهی در داغستان و کاباردین بلغار حاکم است. در این مناطق روس ها تحت فشار هستند و کشته می شوند.

سؤال- قیمت مواد غذایی ثابت مانده است؟

پاسخ: البته نه. گران شدن قیمت مواد غذایی نه تنها در روسیه بلکه در

کشورهای دیگر نیز با نا آرامی ها و انفجارها همراه است. حل این مشکل در روسیه ممکن نیست زیرا روسیه به واردات مواد غذایی وابسته شده است.

کارشناسان پیش بینی می کنند که تا بهار آینده بهای نان 80 تا 70 درصد، روغن و گوشت 60 تا 50 درصد افزایش یابد. این وضع، زندگی خانوادههای کم درآمد را غیر قابل تحمل خواهد کرد. حالا 70 تا 80 درصد درآمد خانواده ها برای خرید مواد غذایی صرف می شود. در آینده نزدیک هزینه برای خرید مواد غذایی بیشتر از درآمد خواهد بود. پوتین می داند وضعی در کشور بوجود آمده که او از کنترل آن عاجز است. بدین سبب می خواهد از صحنه بازی قبل از آنکه انفجاری رخ دهد یک گام عقب برود. فروپاشی با افزایش قیمت مواد غذایی که قسمت اعظم اهالی را در بر گرفته آغاز شده است.

سؤال- اما گروه های با نفوذی وجود دارند که برای حفظ ثبات می خواهند پوتین در قدرت بماند.

پاسخ: برهم خوردن ثبات به علل عینی اجتناب ناپذیر است. فاجعه در حال نزدیکی شدن است: بحران زیرساخت ها، فروپاشی کامل ارتش، رشوه خواری دستگاه دولتی را فلج کرده است. اضافه بر اینها وضع نا آرام قفقاز شمالی، هم چنین پیشروی قاطعانه چینی ها به طرف سیبری و شرق دور... بطور قطع آنها در 3 یا 4 سال آینده این منطقه را تحت کنترل خود در خواهند آورد. اینها بخشی از عوامل عینی بحران هستند.

سؤال- اما اکثر اهالی روسیه فکر می کنند لیدر با انرژی آنها در کرملین می تواند مشکلات را به بهترین و جهی حل کند و بدین جهت باید در قدرت بماند.

پاسخ: نباید به نقش فعال پوتین در سیاست روسیه کم بها داد. همه تصمیماتی که او اتخاذ کرده جنبه تاکتیکی داشته و با اهمیت نبوده است. او از اجرای وظایف استراتژیک سرباز می زد، آنرا از دستور روز خارج می کند و یا به وقت دیگر موکول می کند. درحقیقت پوتین در اداره کشور نقش خنثی کننده دارد.

سؤال- چه کسانی در روسیه تصمیمات قطعی را اتخاذ میکنند پوتین و یا افراد مورد اعتمادی که دور بر او را گرفته اند؟

پاسخ: برای اتخاذ و اجرای تصمیمات، روش سیاسی بشکل سنتی وجود ندارد و تصمیماتی که اتخاذ می شود ماهیتاً سیاسی نیست، بلکه درخدمت منافع صاحبان کلان سرمایه است.

سؤال- منافع گروههای مختلف یکسان نیست. آیا این گروه بندی در کرملین نماینده خاص خودش را دارد؟

پاسخ: بر عکس همه کرملین نشینان افرادی هستند که بلاواسطه صاحبان مشترک مؤسسات بزرگ هستند.

سؤال- پرزیدنت هم در میان آنها است؟

پاسخ: پوتین هم سرمایه دار بزرگی شده است. او صاحب ۳۷٪ سهام نفت و گاز است، این سهام در بازار 20 میلیارد دلار ارزش دارد.

علاوه از این پوتین ۵ / ۴٪ سهام "گاز پروم" را در دست دارد. پوتین در

عین حال ۵۰٪ سهام شرکت " gunvor " را که به داد و ستد نفت مشغول است در اختیار دارد. گردش سرمایه این شرکت در سال گذشته 40 میلیارد دلار بود که سود آن **8 میلیارد دلار** بوده است.

سؤال- این ارقام واقعی است؟

پاسخ: آری واقعی است. پوتین با سخنان پر طمطراق خود می خواهد ثبات رژیم را به هر قیمتی حفظ کند. در عین حال که در خدمت کلان سرمایه داران است. اگر سیاست هشت سال اخیر پوتین را بررسی کنیم خواهیم دید که تظاهر بر قدرت طلبی در عمل خالی از محتوی است. نفوذ روسیه در جهان افزایش نیافته، بر عکس بشکل فاجعه باری کاسته شده است.

سؤال- می توانید دلائلی در تأیید گفته های خود ذکر کنید؟

پاسخ: زمانی که پوتین حاکمیت را در دست گرفت روسیه دولت شناخته شده ای در منطقه بود. روسیه نیروی سیاسی عمده ای در اراضی شوروی سابق بود. از اکراین تا آسیای میانه قادر بودند بدون موافقت روسیه تصمیم بگیرند. رژیم های "ایلچی بیک" در آذربایجان "کامسا خوردی" در گرجستان با سرعت از بین رفتند.

سؤال- پس امروز؟

پاسخ: امروز کشور های زیادی در مورد تعیین سرنوشت خود، در مورد آینده خود، بدون روسیه تصمیم می گیرند. مسکو تنها مانده است. ایدئولوژی خود بزرگ بینی تنها جنبه تبلیغاتی به خود گرفته است. سیاست در واقعیت به شکل دیگری است. البته تغییر سیستم سیاسی که از جانب رئیس جمهور با سرعت صورت می گیرد از دایره دید دور نمانده است. این تغییر در سال های ۹۰، زمانی که پارلمان در 1993 به آتش کشیده شد، قانون اساسی زیر سایه ریاست جمهوری تدوین گردید، انتخابات ریاست جمهور سال ۱۹۹۶ با دست بردن در آن انجام گرفت و پایه گذاری شد. اولیگارشها یعنی "برزوفسکی"، "فوسینکی"، "ابراموویچ"، "خادوروفسکی" (هر چهار تن یهودی تباراند) حکومت را در دست گرفتند و دارائی اتحاد شوروی را میان خود تقسیم کردند.

سؤال- مناسبات پوتین با آنها چگونه است. او در اوایل حکومت خود گفته بود که نسبت به آنها موضع متوازن اتخاذ خواهد کرد؟

پاسخ: پوتین برای دست یابی به قدرت مبارزه نکرد. این افراد او را به کرسی نشاندند. برزوفسکی، ابراموویچ و دیگران او را رئیس جمهور کردند تا وظیفه ای را اجرا کند که نتایج خصوص سازی را تضمین کند. تبدیل کارخانه های خصوصی به پول نقد را تأمین نماید. همچنین به سرمایه های آنها هم در روسیه و هم در خارج ثبات ببخشد.

سؤال- تعطیل شدن دموکراسی از جانب پوتین که خود آنرا جلو کشیده بود، چه علتی دارد؟ او به نظر شما دیکتاتور است؟

پاسخ: تعطیل کردن دموکراسی ایده پوتین نیست. بنابر این او دیکتاتور نیست. دموکراسی واقعی یعنی رقابت واقعی میان سیاستمداران، در شرایط دست یابی برابر به رسانه های جمعی از جمله به تلویزیون. فقدان چنین شرایطی یعنی دموکراسی بشکل آگاهانه تعطیل شده است. این تصمیم پوتین نیست. او اراده نخبگان را اجرا می کند که در اواسط ۱۹۹۰ شکل گرفته بود. پوتین

وارث یلتسین است.

برخلاف "پشینی بئوکوفسکی" پوتین خود را از قدرت کنار نمی کشد، بلکه جای خود را عوض می کند. پست ریاست جمهوری را به وارث بلا معارض خود میدهد و با بدست آوردن اکثریت در دومای دولتی نخست وزیری را از آن خود می سازد. بدین وسیله در قدرت می ماند تا حاکمیت صاحبان ثروت باد آورده در دست شخص مورد اعتماد خود باقی بماند .

(نقل از ساویستایسکایا راسیا)

[بازگشت به صفحه اول](#)